

بسم الله الرحمن الرحيم



مقدمه

نحمدك اللهم و نصلي علي رسول الله و اله المعصومين و لعنه الله علي اعدائهم اجمعين.
خداوند متعال در سوره شوري آیه 23 فرموده است:

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى

(بگو: از شما [در برابر ابلاغ رسالتم] هیچ پاداشی جز مودّت نزدیکیانم را [که بنا بر روایات معتبر اهل بیت علیهم السلام هستند] نمی خواهم.) همچنین در سوره سبأ آیه 47 می فرماید:

قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنَّ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

(بگو: هر گونه پاداشی که از شما خواستم، آن پاداش برای خودتان، پاداش من فقط بر عهده خداست و او بر همه چیز گوا هست).

بنا بر این پاداش رسالت نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم با مودّت نزدیکان آن حضرت ادا شدنی است، این مودّت شامل معرفت، محبت و اطاعت می شود. همانطور که می دانیم هیچ کس به وجود مقدس و نازنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نزدیکتر از حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها نمی باشد و از طرفی دشمنان نور و هدایت با تهاجم فرهنگی شبانه روز در شبکه های مختلف وهابی مسلک و با ترفندهای مرموزانه و حیلہ گری های عوام فریبانه و با انتشار کتابها و جزوات مختلف از جمله کتاب افسانه شهادت، سعی وافر در انکار شهادت و مظلومیت صدیقه کبری حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها دارند، بنا بر این در ایام فاطمیه سالهای 92 و 93 و 94 که مصادف با نوروز باستانی می باشد. مسؤولیت ما دو چندان خواهد بود. همانگونه که ده سال قبل ماه محرم و نوروز مقارن گردید و هموطنانمان احترام نمودند حتی اقلیتهای مذهبی با اظهار بیانیه همدردی خود را با شیعیان ابراز نمودند. این بار نیز شایسته است عموم شیفتگان و علاقه مندان به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام به ویژه پیروان آن بزرگواران حرمت فاطمی را در این تقارن مقدم بدانند امید است در این امر مقدس هیئات مذهبی و مداحان اهل بیت علیهم السلام بیش از پیش اهتمام ورزند. باشد که از این رهگذر اطاعت خداوند و اداء بخشی از حقوق پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم شده باشد و نیز نقشه های دشمنان

تشیع را نقش بر آب نماییم. از حضرت باری تعالی توفیق عزیزان را آرزومندم.

اسفند ماه 1391

1) نوروز 2) محاق 3) فاطمیه

نوروز

نوروز به معنای «روز نو» به روز اول فروردین، همزمان با رسیدن آفتاب به نقطه اول برج حمل گویند.

در عهد ساسانیان جشن نوروز با گردش سال تغییر می‌کرد.

در ادوار مختلف با انگیزه‌های مختلف جشن نوروز را به تأخیر می‌انداختند همانگونه که در عهد جاهلی ماه‌های حرام را تغییر می‌دادند و قرآن کریم از آن به عنوان: «نسیء» یاد کرده است (1)، جشن نوروز نیز تا اول خردادماه (60 روز) به تأخیر می‌افتاد. (2)

در حدود سال 392 ق. نوبت جشن نوروزی به اول حمل رسید.

به سال 467 ق. تقویم جلالی نهاده شد و بر اساس آن موقع جشن نوروزی در بهار هر سال مقارن تحویل آفتاب به برج حمل تثبیت شد. (3)

راز قداست نوروز

در کتب حدیثی، سیره، تاریخ و تراجم علل فراوانی برای قداست روز نوروز بیان شده که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

1. خلقت جهان در روز نوروز (4)
 2. خلقت حضرت آدم در آن روز (5)
 3. خلقت فرشتگان در آن (6)
 4. خلقت خورشید (7)
 5. دحوالارض و گسترش کره زمین (8)
 6. آغاز زمان (9)
 7. روز عهد و میثاق در عالم ذر (10)
 8. تجدید آیین یکتا پرستی توسط جمشید (11)
 9. شکستن بت‌ها توسط قهرمان توحید (12)
 10. بالا رفتن مولای متقیان بر دوش خاتم پیامبران برای شکستن بت‌ها (13)
- انطباق نوروز بر غدیر خم

مهم‌ترین رمز قداست نوروز، تقارن آن با روز غدیر خم می‌باشد. در میان اعیاد اسلامی هیچ عیدی به عید غدیر خم نمی‌رسد، چنانکه در احادیث فراوان بر آن تأکید شده است. (14)

علامه مجلسی از شهید اول نقل می‌کند که ایشان بدون واسطه از علامه سید مرتضی بهاء الدین علی بن عبد الحمید نسابه روایت کرده، با سلسله اسنادش از: «مُعَلِّی بن حُنَیس» از امام جعفر صادق عَلَیْهِ السَّلَام که فرمود: روز نوروز همان روزیست که در آن پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ روز غدیر خم برای امیرمؤمنان عَلَیْهِ السَّلَام

پیمان گرفت و همگان بر ولایت او اقرار نمودند. (15)

آنگاه تعدادی از رخدادهاي روز نوروز را می‌شمارند و در پایان می‌فرمایند:

نوروز روزیست که در آن قائم ما اهل بیت قیام می‌کند و بر دجال پیروز می‌شود و او را در کُنَاسَة کوفه به دار می‌زند. هیچ روز نوروزی نیست جز این که ما در آن فرج را متوقع هستیم، زیرا که آن از ایام ما هست، فارس‌ها آن را نگه داشتند و شما آن را ضایع کردید. (16)

تطبیق عید غدیر بر عید نوروز یکی از معجزات علمی ائمه عَلَیْهِمُ السَّلَام می‌باشد. در زمان ما با وجود نرم افزارها به راحتی قابل اثبات است، اگر روز هجدهم ذیحجه الحرام سال دهم هجری را به نرم افزارها - مثلاً نرم‌افزار السیره النبویه - بدهید، روز اول فروردین در می‌آید.

این مطلب را علامه مجلسی بیش از سه قرن پیش با تلاش فراوان اثبات کرده، پس از 53 صفحه تحقیق در ذیل حدیث شریف فرموده:

ورود خورشید به برج حمل در سال دهم هجری با روز 19 ذیحجه الحرام منطبق بود، ولی چون هلال ذیحجه در شب 30 ذیعقده دیده نشد، اول فروردین با روز 18 ذیحجه منطبق شد. (17)

بررسی سند حدیث

پس از اثبات انطباق غدیر خم با روز نوروز، هیچ نیازی به بررسی سندی حدیث نیست، ولی چون برخی در مورد

«مَعْلِي بن حُنَيْس» توقف کرده‌اند، توضیح می‌دهیم که:

اولاً: او در سلسله اسناد کامل الزیارات قرار گرفته. (18)

ثانیاً: وی در سلسله اسناد تفسیر قمی قرار گرفته. (19)

ثالثاً: شیخ طوسی او را از سفرای ممدوح شمرده است. (20)

رابعاً: پس از شهادت او امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

به خدا سوگند او داخل بهشت شد. (21)

آیت الله خویی در مورد این روایت فرموده که: سند روایت صحیح است. (22)

خامساً: پس از شهادت وی، امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام تا صبح مشغول راز و نیاز بود و برای قاتلش (داود بن علی) از خدا طلب مرگ می‌کرد.

امام عَلَیْهِ السَّلَام در سجده بود که از خانه داود بن علی صدای شیون برخاست و معلوم شد که به هلاکت رسیده است. (23)

آیت الله خویی فرموده: این روایت نیز صحیح است. (24)

سادساً: امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام در حق وی طلب مغفرت کرده فرموده:

«رحم الله المعلي» (25)

آیت الله خویی فرموده: این حدیث نیز صحیح است. (26)

پس از اثبات اعتبار حدیث معلی ثابت می‌شود که عید نوروز همان عید غدیر شمسیست، که همان روز نصب مولای متقیان به امامت، روز اکمال دین و اتمام نعمت است و اعمال فراوانی از معصومین عَلَیْهِمُ السَّلَام برای آن رسیده است.

در مقابل نقلی هست که آن را ابْنِ شَهْرِ آشوب به تعبیر: «حکایت شده» آورده، که در آن آمده است.

این يك آیین فارس‌ها می‌باشد و اسلام آن را محو نمود. (27)

علامه مجلسي در نقد اين نقل فرموده:

اين نقل با روايات معلّی منافات دارد، روايات معلّی سندش قوي‌تر و در میان اصحاب از شهرت بيشتري برخوردار است. (28)

سپس فرموده: ممکن است آن را حمل بر تقیه کنیم و یا بگوییم آن «نوروز» که مورد نظر منصور دوانیقي بود و می‌خواست آن را جشن بگیرد

نوروز دیگری بوده، چنانکه اشاره نمودیم که همواره در مورد تعیین روز نوروز اختلاف بود. (29) در اثبات اعتبار حدیث معلّی همین بس که فقهای شیعه در طول قرون و اعصار به استحباب غسل، نماز و روزه در روز عید نوروز به استناد روایت معلّی فتوا داده‌اند.

حضرت حجت الاسلام و المسلمین سید محمد علی میلانی، فرزند برومند مرجع والای جهان تشیع، مرحوم آیت الله حاج سید محمد هادی میلانی، در کتاب «نوروز» بالغ بر یکصد تن از فقهای شیعه را از عصر شیخ طوسی تا عصر حاضر نام برده، که در طول هزار سال بر اساس حدیث معلّی فتوا به استحباب داده‌اند و گروهی از آنها تصریح کرده‌اند که این فتوا را به استناد حدیث معلّی داده‌اند. (30) محاق

«محق» در لغت به معنای نقصان است. (31)

چیزی که خیر و برکتش از بین برود، به آن محاق می‌گویند. (32)

دو سه شب آخر ماه قمري، که ماه دیده نمی‌شود، محاق نامیده می‌شود. (33) شب اول ماه قمري که ماه به صورت هلال دیده می‌شود، آن را هلال گویند، به تدریج بر حجم آن افزوده می‌شود، به صورت نیم دایره در می‌آید و تربیع نامیده می‌شود، چون به صورت دایره کامل دیده می‌شود، به آن بدر گویند. پس از شب چهارده به تدریج نقصان پیدا می‌کند و به صورت نیم دایره در آمده، باز هم تربیع (تربیع دوم) نامیده می‌شود، سپس رو به نقصان می‌رود، دو یا سه شب ماه دیده نمی‌شود، گویند که ماه در محاق است، یعنی کاملاً محو و ناپدید شده است.

در شبهای محاق، ماه در میان زمین و خورشید قرار می‌گیرد، نیمی از آن که به سوی زمین است، نمی‌تواند از خورشید نور اخذ کند، در نتیجه تاریک و غیر قابل رؤیت می‌باشد. (34)

فاطمیه

منسوب به حضرت فاطمه زهرا سَلَامُ الله عَلَيْهَا:

دهه میانی جمادی الاولی و دهه اول جمادی الثانیه را دهه فاطمیه گویند. مشهور در تاریخ شهادت حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام آن است که پس از شهادت پیامبر اکرم صَلَّی الله عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ 75 روز در این دنیا ماند و آن گاه به شهادت رسید. (35)

حضرت موسی بن جعفر عَلَیْهِ السَّلَام در این رابطه فرمود:

إِنَّ فَاطِمَةَ صَدِيقَةَ شَهِيدَةٍ؛

حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام معصوم و شهید بود. (36)

سالار شهیدان در این زمینه فرمود:

هنگامي که حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام در گذشت، امير مؤمنان عَلَیْهِ السَّلَام او را شبانه و مخفيانه به خاک سپرد و علامت قبر شريفش را محو کرد. (37)

بخاري با سند صحيح از عايشه روايت کرده که گفت:

فاطمه دختر پيامبر، پس از وفات پيامبر صَلَّي اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، ميراث خودش را از ترکه پيامبر، از آنچه خداوند به عنوان «فَيء» براي او قرار داده و سهم خودش را از ما ترك پيامبر از خيبر و فذك و صدقات آن حضرت در مدینه مطالبه کرد، ابوبكر گفت: پيامبر فرمود: ما ارث نمي‌گذاريم، آنچه از ما بماند صدقه است.

پس فاطمه دختر پيامبر خشمگين شد و از ابوبكر قهر کرد و تا زنده بود با وي قهر بود. (38)
در حديث ديگري به همين مضمون مي‌افزايد:

هنگامي که حضرت فاطمه وفات کرد، همسرش علي عَلَیْهِ السَّلَام او را شبانه به خاک سپرد و بر پيكرش نماز خواند و به ابوبكر اطلاع نداد. (39)

بر اساس روايت كليني تاريخ شهادت حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام روز سيزدهم جمادي الاولي خواهد بود. ما نمي‌دانيم که در سال يازدهم هجري - سال شهادت پيامبر اکرم - آيا ماه صفر، ماه ربيع الاول و ماه ربيع الثاني آيا هر سه سي تمام بود، يا هر سه 29 روز بود، يا برخي سي تمام و برخي ديگر 29 روز بود؟ از اين رهگذر دو روز پيش از سيزدهم جمادي الاولي و دو روز بعد از سيزدهم را به سوگ مي‌نشينيم و عملاً ايام شهادت آن حضرت از يازدهم تا پانزدهم جمادي الاولي محسوب مي‌شود.
قول ديگر آن است که حضرت فاطمه 95 روز بعد از پيامبر به شهادت رسيد. (40)
بر اين اساس شهادت آن حضرت روز سوم جمادي الثانيه خواهد بود. (41) در اين فرض نيز نمي‌دانيم که آيا ماه صفر، ربيع الاول، ربيع الثاني و جمادي الاولي در آن سال سي تمام، يا 29 روز و يا برخي 30 و برخي ديگر 29 روز بوده است؟

از اين رهگذر ايام شهادت آن حضرت از اول تا پنجم جمادي الثانيه خواهد بود. شيعةيان شيفته و عاشقان دلباخته اهلبيت عَلَیْهِمُ السَّلَام يك دهه در فاطميه اول و يك دهه در فاطميه دوم به عزاداري مي‌پردازند.

نوروز در محاق

اگر در هر ماه قمري سه شب ماه در محاق مي‌باشد، در پايان امسال نوروز به مدت سه سال در محاق مي‌باشد. زيرا نوروز سال 1392 با دهه مياني جمادي الاولي (فاطميه اوّل) و نوروز 1393 در ميان دو دهه فاطمي و نوروز 1394 با دهه اول جمادي الثانيه (فاطميه دوّم) مصادف مي‌باشد.
همانگونه که در بخش آغازين اين نوشتار يادآور شديم، عيد نوروز فقط يك عيد ملي نيست، بلکه بيش از آن که ملي باشد، عيد مذهبيست. زيرا نوروز سال دهم هجري دقيقاً مصادف با هجدهم ذيحجه الحرام بود، در نتيجه نوروز همان غدير شمسي مي‌باشد و براي ما بسيار مقدس مي‌باشد.
جز اين که ماه‌هاي قمري نسبت به ماه‌هاي شمسي هر سال در حدود 11 روز تغيير مي‌يابد، گاهي نوروز با ماه محرم و صفر و گاهي با ايام فاطميه مصادف مي‌شود که در اين صورت نوروز در محاق قرار مي‌گيرد.
امسال عيد نوروز با ايام فاطميه مصادف است، سال آينده در ميان دو ايام فاطمي و سال بعد با ايام فاطميه

دوم، در نتیجه:
«ما سه سال عید نداریم»

يك درس آموزنده

يکي از خاطرات جالب و شیرین، که با گذشت بیش از 30 سال هنوز هم برایم جالب است و امیدوارم برای خوانندگان نیز جالب و آموزنده باشد، خاطره‌ایست مربوط به يك مسلمان سیاه پوست آمریکایی. غالب شیعیان با نام بوکس زن معروف آمریکایی «محمد علي کلي» آشنا هستند. او پس از تشرف به اسلام و آیین تشیع نام «محمد علي» را برای خود برگزید. در آن روزگاري که مسابقات او در صدر اخبار بین المللي جاي داشت يکي از شرکت‌ها از ایشان برای انجام مسابقه‌اي برای شش ماه بعد دعوت می‌کند، قرار داد امضاء می‌شود، مهمان‌ها دعوت می‌شوند، سالن برگزاری مسابقه اجاره می‌شود، دو ماه از این قرار داد می‌گذرد، وي برای تنظیم برنامه‌اي به سررسید خود مراجعه می‌کند و متوجه می‌شود که روز مسابقه با روز عاشورا مصادف است. به شرکت برگزار کننده مسابقه تلفن می‌کند و می‌گوید: من در آن روز از مسابقه معذور هستم، باید چند روز جلوتر یا عقب‌تر انجام شود. طرف قرارداد می‌گوید به هیچ وجه امکان پذیر نیست، ما سالن کرایه کردیم، هتل رزرو کردیم، بلیط هواپیما برای مدعوین گرفتیم و هرگز نمی‌توانیم آن را تغییر بدهیم. «کلي» می‌گوید: آن روز مصادف با روزیست که هم کیشان من در آن روز مراسم عزاداري دارند، اگر من آن روز مسابقه بدهم شماری از شیعیان به جاي عزاداري در خانه نشسته، مسابقه مرا تماشا خواهند کرد و من در محضر سالار شهیدان شرمندۀ خواهم بود. سر انجام میزان خسارت آن شرکت را بر آورد می‌کنند، آقای «کلي» دو میلیون دلار به عنوان خسارت به آن شرکت می‌پردازد و تاریخ مسابقه را تغییر می‌دهند. «کلي» مسلمان جغرافیایی نبود، او پس از تحقیق به حَقَّانیت اسلام و تشیع پی برده بود، از آیین اجدادي خود دست کشیده، به شرف اسلام و تشیع مشرف شده بود، از این رهگذر برای مراسم عزاداري سالار شهیدان چنین بها می‌داد و برای این که شماری از شیعیان را با تماشاي بازی خود، از شرکت در عزاداري مانع نشود، مبلغ دو میلیون دلار خسارت پرداخت. امیدواریم ارباب رسانه از این تازه مسلمان آمریکایی پند بگیرند، همراه و همگام با امت شریف ایران در ایام نوروز امسال و دو سال بعد، به احترام حضرت صدیقه طاهره از پخش برنامه‌هاي شاد خود داري نموده، در سوک شفیعه امت به سوک بنشینند، موجبات رضایت و خشنودی یوسف زهرا را فراهم نمایند.

حرمت فاطمي

بر احدي از دوستان اهلبيت عصمت و طهارت پوشیده نیست که حفظ حرمت حضرت فاطمه زهرا سَلَامُ اللّٰهِ عَلَیْهَا بر همگان لازم و ضروریست.

رسول اکرم صَلَّي اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم می‌فرماید:

إِنَّ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ ثَلَاثَ حُرْمَاتٍ، فَمَنْ حَفِظَهُنَّ حَفِظَ اللَّهُ دِينَهُ وَ دُنْيَاهُ وَ مَنْ لَمْ يَحْفَظْهُنَّ لَمْ يَحْفَظِ اللَّهُ دُنْيَاهُ وَ لَا آخِرَتَهُ.

قُلْتُ: وَ مَا هُنَّ؟ قَالَ: حُرْمَةُ الْإِسْلَامِ وَ حُرْمَتِي وَ حُرْمَةُ رَجْمِي؛

برای خداوند متعال سه حرمت است، هر کس آنها را رعایت کند، خداوند از دین و دنیای او حراست می‌کند و هر کس آنها را رعایت نکند، خداوند از دنیا و آخرت او حفاظت نمی‌کند.

راوی پرسید: آن حرمت‌ها کدامند؟

فرمود:

(1) حرمت اسلام؛

(2) حرمت من؛

(3) حرمت خویشاوندان من (42)

همه‌ی خویشاوندان پیامبر اکرم صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ از کوثر جاری رسالت، قله‌ی هرم عصمت، سر سلسله‌ی خاندان عصمت و طهارت سرچشمه می‌گیرند. رعایت حرمت فاطمی، رعایت حرمت خدا و رسول خدا و آیین خدا می‌باشد.

امام باقر عَلَیْهِ السَّلَام در مقام بیان جایگاه رفیع حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَام فرمود:

وَلَقَدْ كَانَتْ مَفْرُوضَةً عَلَى جَمِيعٍ مِّنْ خَلْقِ اللَّهِ، مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ وَالْوَحْشِ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمَلَائِكَةِ؛

حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام بر همه‌ی مخلوقات خداوند، از پریان، آدمیان، پرندگان، درندگان، پیامبران و فرشتگان واجب‌الاطاعه می‌باشد. (43)

از این رهگذر حفظ حریم صدیقه‌ی طاهره، برای اولین و آخرین، حتی پیامبران پیشین از حضرت آدم تا حضرت

خاتم الانبیا عَلَیْهِمُ السَّلَام لازم و ضروری بود، چنانکه رئیس مذهب امام جعفر صادق عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

و هِيَ الصِّدِيقَةُ الْكُبْرَى وَ عَلَي مَعْرِفَتِهَا دَارَتْ الْقُرُونُ الْأُولَى؛

او صدیقه کبریست و همه قرنهای اولیه بر محور معرفت او گردیده‌اند. (44)

خاتم پیامبران یکی دیگر از جلوه‌های حرمت فاطمی را این گونه بیان می‌کند: چون روز قیامت فرارسد، منادی الهی

از اعماق عرش خدا بانگ می‌زند:

يَا أَهْلَ الْمَوْقِفِ! غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ وَ نَكِّسُوا رُؤُوسَكُمْ، لِنَجُوزَ فَاطِمَةَ بِنْتُ مُحَمَّدٍ عَلَي الصِّرَاطِ؛

هان ای اهل محشر! دیدگان خود را فرو بندید و سرهای خود را پایین بیندازید، تا حضرت فاطمه دختر حضرت

محمد صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ از صراط بگذرد. (45)

این منتهای حرمت فاطمیست که به هنگام عبور آن حضرت از صراط، باید همه‌ی مخلوقات، همه‌ی انبیا و اولیاء و

همه‌ی اولین و آخرین، دیده‌های خود را فرو بندند و سرهای خود را پایین بیندازند، تا ناموس کبریا، دختر خاتم

الانبیاء و همسر خاتم اوصیاء از صراط عبور کند.

آنچه گفته شد مشتبی از خروار، اندکی از بسیار و قطره‌ای از دریای بیکران حرمت حضرت فاطمه سَلَامُ اللّٰهُ عَلَیْهَا

می‌باشد.

با این مقام شامخ و جایگاه بلند فاطمی، آیا ضرورت ندارد که شیعیان شیفته و ارادتمندان دلسوخته آن حضرت،

در این سه سالی که ایام نوروز با ایام شهادت جانگداز آن حضرت مصادف شده، از هر گونه ابراز شادی و شادمانی

پرهیز کنند و با حضور گرم خود در مراسم عزای آن حضرت، موجبات رضایت آن حضرت را فراهم نمایند، که

رضایت آن حضرت، رضایت حضرت احدیت را در پی دارد. (46)

حرمت حضرت زهرا عَلَیْهَا السَّلَام تا آنجاست که هر وقت به محضر پدر بزرگوارش شرفیاب می‌شد، خاتم انبیا

دست دخترش را می‌گرفت، آن را می‌بوسید و او را در جای خود می‌نشاند. (47)

اشرف کاینات در آخرین لحظه‌های خود خطاب به مولای متقیان فرمود:

يا عَلِيُّ اَنْفَعُ مَا اَمَرْتُكَ بِهِ فَاطِمَةُ،

یا علی! آنچه فاطمه به تو امر کند، آن را انجام بده و در پایان وصیتهای خود فرمود:

وَ اَعْلَمُ يا عَلِيُّ اَنِّي راضٍ عَمَّنْ رَضِيَ عَنْهُ ابْنَتِي فَاطِمَةُ وَ كَذَلِكَ رَبِّي وَ مَلَأْتُكَ.

یا علی! وِیْلٌ لِمَنْ ظَلَمَهَا وَ وِیْلٌ لِمَنْ ابْتَزَّهَا حَقَّهَا وَ وِیْلٌ لِمَنْ هَتَكَ حُرْمَتَهَا وَ وِیْلٌ لِمَنْ اَحْرَقَ بابِها؛

یا علی! بدان که من خشنود هستم، از هر کسی که دخترم فاطمه از او خشنود باشد، پروردگار من و فرشتگانش نیز از آن شخص خشنود می‌باشند.

یا علی! وای بر کسی که به او ستم کند، وای بر کسی که حق او را پایمال کند، وای بر کسی که حرمت او را هتک

کند و وای بر کسی که در خانه‌اش را آتش بزند. (48)

علامه بزرگوار، آیت الله سید باقر هندی، متوفای 1329 ق. در شب عید غدیر در عالم رویا به محضر مقدس قطب عالم امکان حضرت بقیه الله ارواحنا فداه شرفیاب شده، آن حضرت را غرق غم و اندوه مشاهده نموده، عرضه داشته:

مولای من! همه در شب عید سعید غدیر، شاداب و شادمان هستند، چرا شما را غمگین و اندوهناک می‌بینم؟!

حضرت فرمودند:

دَكَّرْتُ اُمِّي وَ حُرْزَهَا؛

به یاد مادرم فاطمه و غم‌های آن حضرت افتادم.

سپس فرمود:

لا تَرَانِي اتَّخَذْتُ لَا وَ علاها بعد بیتِ الاحزانِ بیتِ سرورِ

نه، نه، سوگند به مقام والا و جایگاه بلند آن حضرت، هرگز پس از «بیت الاحزان» خانه‌ی شادی و سرور بر نخواهم گزید. (49)

اگر آن پیشوای انس و جان حتی در شب غدیر، به یاد مصائب مادر بزرگوارش محزون است، بر ما شیعیان شیفته و ارادتمندان دلباخته است

در ایام نوروز که مصادف با ایام شهادت آن حضرت می‌باشد، به یاد بیت الاحزان آن حضرت و به پیروی از فرزند

دلبندش حضرت بقیه الله ارواحنا فداه، از هر گونه جشن و سرور پرهیز کنند و از خداوند مَنَّان بخواهند که با

تعجیل در امر فرج آن حضرت سفره بشارت ظهور را در گستره جهان هستی بگستراند، انشاء الله.

[اشعار]

آب حیات (برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)

آمد بهار و بی‌گل رویت بهار نیست

باد صبا مباد چه پیغام یار نیست

بي روي گلغذار مخوانم به لاله زار
بي گل نواي بلبل و شور هزار نيست
بي سر و قد يار چه حاجت به جويبار
ما را سرشك ديده كم از جويبار نيست
اي سرو معتدل كه به ميزان عدل و داد
سروي به اعتدال تو در روزگار نيست
اي نخل طور نور كه در عرصه ظهور
جز شعله رخ تو نمايان ز نار نيست
مصباح بزم انس به مشكاه قرب قدس
حقّا كه جز تجلّي حُسن نگار نيست
اي قبله عقول كه اهل عقول را
جز كعبه تو ملتزم و مستجار نيست
جز نام دلبراي تو از شرق تا به غرب
زينت فزاي دفتر ليل و نهار نيست
در صفحه صحيفه هستي به راستي
جز خط و خال حسن تو را اعتبار نيست
اي صبح روشن از افق معدلت در آي
ما را ز ياده طاقت اين شام تار نيست
ما را ز قلزم فتن آخر الزمان
جز ساحل عنايت و لطف كنار نيست
در كام دوستان تو اي خضر رهنما
آب حيات جز ز لب خوشگوار نيست
غير از طواف كوي تو اي كعبه مراد
هيچ آرزو در اين دل اميدوار نيست
آيه الله العظمي اصفهاني (كمپاني)

هيچده خزان

مرا به خانه زهراي مهربان ببريد
به خاك بوسي آن قبر بي نشان ببريد
اگر نشاني شهر مدينه را بلديد
كبو تر دل ما را به آشيان ببريد
كجاست، آن در آتش گرفته، تا كه مرا
براي جامه دريدن به سوي آن ببريد
مرا اگر شدم از دست برنگردانيد

به روی دست بگیرید و بی‌امان ببرید
کجاست آن جگر شَرَحه شَرَحه، تا که مرا
کنار سنگ مزارش کشان کشان ببرید
نه اشتیاق به گل دارم و نه میل بهار
مرا به غربت آن هیجده خزان ببرید
کسی صدای مرا در زمین نمی‌شنود
فرشته‌ها، سخنم را به آسمان ببرید
(افشین علا)

اشك زمزم

دلا بنال که غم با نشاط توأم شد
عزای حضرت زهرا و عید با هم شد
نوای شادی اهل ولا در این نوروز
ز داغ دخت پیمبر بَدَل به ماتم شد
ز سوگ حضرت صدیقه کار ما این عید
کشیدن از دل خود آه و خوردن غم شد
ز داغ فاطمه نوروز شیعیان علی
در این بهار، غم‌انگیز چون مُحَرَّم شد
فغان که دامن دلهای زار غمزدگان
در این مصیبت عظمی ز اشک چون یم شد
گریست ساقی کوثر ز داغ همسر خویش
روان ز دیده او اشک همچو زمزم شد
نخواست شادی نوروز را چو (ناظر) دید
نشاط عید و غم آن شهیده توأم شد
سید محمود مرتضوی نائینی (ناظر)

خزان در بهاران

تضمین غزل اشک زمزم ناظر نائینی
دوباره دیده‌ام از اشک رشک زمزم شد
دوباره سوختن در مرا مجسم شد
دوباره خاک عزا بر سر دو عالم شد
«دلا بنال که غم با نشاط توأم شد»
«عزای حضرت زهرا و عید با هم شد»
شدیم با غم و درد آشنا در این نوروز

و گشته‌ایم به غم مبتلا در این نوروز
 به جای عیش عزا شد به پا در این نوروز
 «نوای شادی اهل ولا در این نوروز»
 «ز داغ دخت پیمبر بَدَل به ماتم شد»
 چه گویم از چه علی و لی ز غصه خمید
 چه گویم این که به زهرا ز دشمنان چه رسید
 برای شیعه چه نوروزی و چه عید سعید
 «ز سوگ حضرت صدیقه کار ما این عید»
 «کشیدن از دل خود آه و خوردن غم شد»
 برفت مهر درخشان آسمان علی
 برفت از غم زهرا ز تن توان علی
 گداخت آتش این داغ جسم و جان علی
 «ز داغ فاطمه نوروز شیعیان علی»
 «در این بهار، غم‌انگیز چون محرم شد»
 ز دست داد علی ولی چو یاور خویش
 به خاک تیره نهان کرد تا که گوهر خویش
 ندید همسر خود را چو در برابر خویش
 «گریست ساقی کوثر ز داغ همسر خویش»
 «روان ز دیده او اشک همچو زمزم شد»
 فغان و آه خزان شد بهار غمزدگان
 که گشت تیره چو شب روزگار غمزدگان
 نبود و نیست به جز گریه کار غمزدگان
 «فغان که دامن دل‌های زار غمزدگان»
 «در این مصیبت عظمی ز اشک چون یم شد»
 ز سوز سینه در این غم چو (بزرگر) نالید
 به گریه گفت در این سال نیست عید، سعید
 برای شیعه مولا علی نباشد عید
 «نخواست شادی نوروز را چو ناظر دید»
 «نشاط عید و غم آن شهیده توام شد
 علی وحید دستگردی (بزرگر)

مه در محاق (ترجیع بند)

بند اول

مه در محاق رفت و دل آسمان گرفت
خورشید تیره گشت و زمین و زمان گرفت
ناموس حق چو گشت شهید از جفای خصم
دربارگاه قدس دل عرشیان گرفت
برقی زد و ز ترکش پیر فلک جهید
تیر غمی که سینه ما را نشان گرفت
دانی چه شد چرا که به هم ریخت روزگار
دانی چرا ز غم دل صاحب زمان گرفت
دانی چه سوگواری و اندوه و ماتمی
شور و نشاط و سرخوشی شیعیان گرفت
ز آن لطمه‌ای که بر رخ خیر النساء زدند
آتش ز غصه بر جگر مرتضی زدند

بند دوم

عیدی برای مردم صاحب عزا نماند
جز خون دل به ساغر اهل ولا نماند
از آتشی که بر در بیت الشرف زدند
جز اشک غم به دیده خونبار ما نماند
از ضرب در چو پهلوی زهرا شکسته شد
بر شیعیان به غیر غم و ابتلا نماند
از آتشی که کرد بپا غاصب فدک
غیر از نفاق و کینه نشانی بجا نماند
زان لطمه‌ای که بر رخ خیر النساء زدند
آتش ز غصه بر جگر مرتضی زدند

بند سوم

جن و ملک ز ماتم زهرا گریستند
کر و بیان عالم بالا گریستند
از خنجری که دشمن حق زد به نخل دین
یاران زخم خورده چو مولا گریستند
وقتی خبر رسید که محسن شهید شد
زین درد و داغ اهل تولا گریستند
آتش ز داغ بر دل اهل ولا فتاد
تا اهل بیت زین غم عظمای گریستند
زان لطمه‌ای که بر رخ خیر النساء زدند

آتش ز غصه بر جگر مرتضی زدند
سید محمد حسن صفوی پور
(قیصر اصفهانی)

طایر قدسی

هر بهاری که خزان غارت گلها می‌کرد
ناله از سوز جگر بلبل شیدا می‌کرد
این حکایت به مثل گفتم و دیدم که درست
با دل زار علی رابطه پیدا می‌کرد
همسرش فاطمه آن نوگل بوستان رسول
کز حیا فخر به صد مریم عذرا می‌کرد
شد چنان عرصه بر او تنگ که از شدت درد
مرگ خود ز خداوند تقاضا می‌کرد
بود در بستر بیماری و با حال نژند
بهر دیدار علی دیده ز هم وا می‌کرد
اشک در دیده او آینه بندان می‌گشت
و نذر آن آینه صد گونه تماشا می‌کرد
در هیاهوی ستم از نفس افتاد دریغ
آنکه خود با نفسش کار مسیحا می‌کرد
جرمش این بود بهین دخت رسول مدنی
که حمایت ز علی همسر و مولا می‌کرد
کنج بیت الحزن از فرقت مادر همه شب
تا سحر زینب غمدیده خدایا می‌کرد
آنچه با قلب علی کرد ندانم به خدا
ناله‌هایی که اثر در دل خارا می‌کرد
یاد می‌آمدش از رنگ کبود گل یاس
هر زمانی که نظر بر رخ زهرا می‌کرد
علی آن دفتر پر خاطره فاطمه را
با نم اشک ورق می‌زد و امضاء می‌کرد
خاک شد مدفن آن طایر قدسی که مدام
سیر در کنگره عرش معلا می‌کرد
وای (قیصر) اگرش بغض گلوگیر نبود
دامن از اشک در این واقعه دریا می‌کرد
سید محمد حسن صفوی پور

شب‌نم غم

غزل مرثیه در مثنوی
بر عذار سبزه و گل گردی از ماتم نشست
شد پریشان باغ و بلبل زین الم در غم نشست
خون به جای اشک می‌بارد ز چشم آسمان
لاله آسا از تب غم داغ دارد بوستان
شعله جای نور از خورشید می‌ریزد به خاک
غنچه از تاب و تب حسرت گریبان کرده چاک
تا صبا بر چهره‌ی گل گرد ماتم ریخته
روح سر سبز بهاران را به غم آمیخته
شد ز سوگ حضرت زهرا جهان ماتم‌سرا
شد بهار آفرینش در تب غم مبتلا
زین مصیبت آمد ابر آسمانها در خروش
شد چمن از شب‌نم غم در سحر آینه پوش
شد نه تنها چرخ گریان در رثای فاطمه
هر افق دریای خون شد در عزای فاطمه
مرتضی تنها نشد از این مصیبت داغدار
خلق عالم سوگواری از برای فاطمه
اشک غم از دیده جاری کرد با حالی نزار
هر مصیبت دیده‌ی ی درد آشنای فاطمه
راضیه مرضیه بر او صادق آمد از خدا
چون رضای دوست آمد در رضای فاطمه
اسوه‌ی عصمت به نسوان باشد او در هر زمان
مرحبا بر جان پاک با صفای فاطمه
آسمان بگشای راهی بر روان عاشقم
تا به حق ملحق شود بی‌پرده جان عاشقم
اشک غم شد مانع تحریر من بی‌اختیار
زین مصیبت دیگر از کف داده‌ام صبر و قرار
چون ندارم قدرت تفسیر کامل در بیان
می‌سپارم شرح آن را بر (مراد) عاشقان
شادروان حسن کاظمی مرادی (مراد)

این شاعر گرامی بعد از سرودن این شعر در آستانه اربعین سید مظلومان حضرت ابا عبد الله الحسین عَلَیْهِ

السَّلام سال 1434 قمري مطابق با ديماه 1391 شمسي آسمان راه بر روان عاشق او گشود و جان به جانان تسليم نمود، علو درجات آن فقيد سعيد را از درگاه حضرت احديت مسألت مي‌نماييم.

شور عاشورا

به غم توأم بود امسال نوروز
دچار غم بود امسال نوروز
قرين با فرودين شد فاطميّه
مه ماتم بود امسال نوروز
سراغ از عيد يا شادي نگرديد
به غم مدغم بود امسال نوروز
به جاي حرف شادي در مجالس
سخن از غم بود امسال نوروز
زمين در ناله باشد زين مصيبت
زمان مبهم بود امسال نوروز
چگونه گل به خنده وا کند لب
گه ماتم بود امسال نوروز
ز چشم آسمان خون گر ببارد
مسلم کم بود امسال نوروز
تو گويي شور عاشوراي ديگر
در اين عالم بود امسال نوروز
به ماتمخانه زهرا دو چشمم
قرين يم بود امسال نوروز
فدك، آتش، شكستن، درد پهلوي
همه با هم بود امسال نوروز
علي گريان زهرا هست و جبريل
به او همدم بود امسال نوروز
مرا (قادر) به مولا عهد و پيمان
بسي محكم بود امسال نوروز
من از زهرايم و زهرا شعارم
همينم دم بود امسال نوروز
قاسم قادري زفراهي (قادر)

چشم خونبار بهار

نوروز ما مثل شب تار است یاران
چشم بهار از گریه خونبار است یاران
جایی که اشک مرتضی از دیده جاریست
گل هم به پیش چشم ما خار است یاران
تبریک در ماه غم زهرا حرام است
مهدی از این تبریک بیزار است یاران
بی معرفت باشم اگر تبریک گویم
وقتی که پیغمبر عزادار است یاران
تبریک چون گویم که دخت مصطفی را
خون جگر جاری به رخسار است یاران
راه گلستان را به روی خود ببندید
زهرا میان درب و دیوار است یاران
زهراست ما را مادر و باید بدانیم
مادر به ما، در حشر غمخوار است یاران
بلبل شده در بوستان همناله باگل
زیرا که در گلزار، گلزارست یاران
ما چون خریدار غم زهرا نباشیم
زهرا غم ما را خریدار است یاران
روزی که از فرزند مادر می‌گریزد
زهرا برای دوستان یار است یاران
دریایی از خون جاری از چشمِ نر ماست
نوروز نه، روز عزای مادر ماست
غلامرضا سازگار (میثم)

سکوت تلخ

دوباره موسم نوروز و ماه ماتم شد
مه شهادت دخت رسول خاتم شد
خزان گلشن پیغمبر خدا برسید
اگر چه باغ و چمن در بهار خرّم شد
فراز خانه‌ی خود بیرق عزّا بزنید
چه جای عید که هنگام غصه و غم شد
به جای تهنیت عید تسلیت گویند

برای امت ما گوییا مُحَرَّم شد
به تن لباس عزا جای رخت نو پوشید
زنید ناله که ایّام حزن و ماتم شد
پس از رسول خدا گریه کار زهرا بود
برای فاطمه اسباب غم فراهم شد
زدند آتش کین بر درِ سرایِ علی
همین مقدمه‌ی کار ابن ملجم شد
اگر که آتش و مُسَمّار و تازیانه نبود
به سوز سینه‌ی زهرا بگو چه مرهم شد
ز بعد فاطمه مولا به کنج تنهایی
چنان گریست که باران گریه‌اش یم شد
برای ساقی کوثر علی در آن غوغا
سکوت تلخ بر احقاق حق مُقَدَّم شد
علی غریب چنان شد در آن غریبستان
که بهر راز دلش چاه آب محرم شد
(بقا) خموش که از این مصیبت عظمی
زمین شکسته دل و پشت آسمان خم شد
سید علی اصغر هاشمی (بقا)

نوروز غم‌افزا

غم‌فزا نوروز ما شد در عزای فاطمه
شیعیان هستند گریان از برای فاطمه
جشن عیدی نیست بر پا ای محبان علی
چون مصادف گشته نوروز و عزای فاطمه
محفل عیشی نمی‌گردد بپا امسال عید
چون که راضی نیست زین شادی خدای فاطمه
شیعیان را جامه نو نیست برتن روز عید
چون سیه پوشند از غم بچه‌های فاطمه
ای که می‌خواهی بیارایی سرای خویش را
کن به چشم دل نظر سویی سرای فاطمه
رسم دیدار بزرگان را چو می‌آری بجا
توأمانش ساز با ذکر رثای فاطمه
(ثابت نائینی) این اشعار غمگین را سرود
تا شود نوروز او غرق عزای فاطمه

مرتضي قلي اعرابي نائيني (ثابت)

تشيع ياس

آي مردم، عشق مي دانيد چيست
مرد راه عشق، مي دانيد كيست
آي مردم، مرد را معنا كنيد
مرد صاحب درد را پيدا كنيد
آي مردم، غم چه معنا مي دهد
عشق در اينجا چه فتوا مي دهد
غربت و غم چيست در فرهنگ درد؟
مي نمايد، از چه رو هم رنگ درد؟
غربت و غم، گويي از يك ماهه اند
آفتاب عشق را همسايه اند
غم اگر چون كوه شد، جايش كجاست
در كدامين سینه درد آشناست؟
گر چه مي دانيد از من بشنوید
پاسخي از لفظ روشن بشنوید
ني، غلط گفتم كه لفظ اينجا كم است
پيش آن دريائي معنا، يك نم است
لفظ اگر، درياست، كم مي آورد
عقل هم، كي ره به جايي مي برد
حرف و گفت و صوت را برهم زنيد
تا كه بي اين هر سه، زان غم دم زنيد
عشق اگر يك دم نهد پا در ميان
سر افراز آيم، برون زين امتحان
باده نابم دهد مستم كند
نيست چون گشتم ز خود، هستم كند
تا در آن حال از غمش چون دم ز نم
مي توانم، شعله در عالم زنم
كيست او، كاي روزها، دلخسته است؟
پسش زهراي دلش، بنشسته است؟
كيست در آن خانه در سوخته؟
چشم در چشمان عشقش دوخته؟
اشك او آرام مي آيد فرود؟

کیست آن مرد غم آن تنها ترین؟
کیست او، کاین روزها در بستر است؟
و آن گلی کاین روزها می‌پژمرد؟
یا علی ما جمله محزون توایم
چشم را از اشک پر نم می‌کنیم
خیس می‌ریزد، بر آن روی کبود؟
از فراق یار خود شیداترین؟
پیکرش، مجروح دیوار و در است؟
بهر آن تنهاترین، غم می‌خورد؟
در جنون عشق، مجنون توایم
لختی از بار غمت کم می‌کنیم
از تو غفلت کردن از خود غافل‌یست
با غمت، سر بردن اما خوشدلیست
در غمت ما نو بهار گریه‌ایم
چشمه چشمه بی‌قرار گریه‌ایم
یا علی تا غربت ما را ببر
تا به مظلومیت ما را ببر
برق مهرت زد که خاکستر شدیم
زیر باران نگاهت‌تر شدیم
دل، ترا دادیم و غم صاحب شدیم
از رموز عشق، پر مطلب شدیم
از جنون آباد عشقت سر زدیم
سر برون از لاکِ بال و پر زدیم
شوق تو، در ما سلیمانی کند
روح ما را، عشق در مانی کند
در غمت ما را شریک خود بدان
در کنار بستر زهرا بمان
آمدیمت تا تسلایت دهیم
دل تسلا، بهر زهرایت دهیم
آمدیمت تا رواق خانه‌ات
با دلی در عاشقی، دیوانه‌ات
بغض داریم و شبیه دق شدیم
چون ترا، ما از ازل عاشق شدیم
سینه ما را در آنجا کاشتند

عشق، پاشیدند و غم برداشتند
با تو چون بودیم، بالایی شدیم
لافتی گفتیم و الایی شدیم
پیش پایت چک چک اشک غمیم
زخم غربت داری و ما مرهمیم
در غم تو، عید را بگذاشتیم
بیرق سرخ و سیاه افراشتیم
ما که آئین الفاطمیون توایم
عید را امسال دلخون توایم
سفره‌های هفت سین را تا زدیم
بر رسوم امسال پشت پا زدیم
یا علی ما عید را شیون کنیم
رخت ماتم جای شادی تن کنیم
عیش را در این عزا سر می‌بریم
پای یاس خانه‌ات غم می‌خوریم
عید را امسال می‌جوشیم ما
جای شربت، بغض می‌نوشیم ما
نیست بر لبهای ما لبخند عیش
عید ما بوی مُحَرَّم می‌دهد
نیستیم امسال ما پابند عیش
قلب ما را یک نفر دم می‌دهد
هر طرف گلبانک ماتم می‌زنیم
شهر را رنگ مُحَرَّم می‌زنیم
کوچه‌ها یکسر سیه پوشت شوند
بلبلان ناله همدوشت شوند
نسترن‌ها با تو شیون می‌کنند
خاک بر سر، سرو و سوسن می‌کنند
در غمت اسب عزا را زین کنیم
تکیه را با نوحه‌ها، آذین کنیم
ما به زیر با راین غم، تا شدیم
چون تو، بی‌زهرا، تک و تنها شدیم
در گلو، افغان ما گل می‌کند
بغض ما فریاد بلبل می‌کند
بر مسیح گریه‌های بی‌شمار

مریم دلہای ما شد باردار
یا علی، ما چون تو گرم نالہ ایم
جانگداز ہجر، ہجدہ سالہ ایم
سینہ را رنگ شقایق می زنیم
سرخ می نالیم و حق حق می زنیم
غمگسار بی کسی های توایم
خون دل از دلواپسی های توایم
گوش ما را یا علی چون چاہ گیر
با شکوہ راز خود ہمراہ گیر
یا علی با ما بگو اسرار را
ماجرای آن در و دیوار را
از چہ میخ در حکایت می کند؟
از کدام آتش شکایت می کند؟
قامت خم گشتہ را تفسیر چیست؟
با طنابی بستن یک شیر چیست؟
ماجرای چادر خاکی بگو
زان قساوتها و ہتاکہ بگو
ماجرای نامہ و رد فدک
کوچہ و سیلی، لگد کوب و کتک
گر چہ زین غمہا، ز پا افتادہ ایم
با تو در تشییع یاس آمادہ ایم
دوش می گیریم، نعش لالہ را
می بریم از خانہ، ہجدہ سالہ را
(محمد قدسی)

نو بہار غم

رسید عید و بہ جای نشاط آمد غم
عزا و عیش و در این نو بہار شد مدغم
بہ جای جامہ نو شیعیان بہ بر کردند
در این طلیعہ ی نوروز جامہ ی ماتم
رسید ہمرہ ایام فاطمیہ بہار
بہ چشم فاطمیون غم فزاست این موسم
تمام اہل ولا می کشند نالہ ز دل
ز داغ نور دو چشم پیمبر خاتم

سزد که از ره اخلاص همچو ابر بهار
برای فاطمه گریند مردم عالم
بهار آمد (امینی) ولی نشد دل شاد
برای آنکه نشاط است با عزا توام
(اسدالله امینی)

تقویم عمر یاس

امشب ردیف شد غزل با نمی شود
یا می شود تمام کنم یا نمی شود
عید است و در چمن خبری از نشاط نیست
یعنی بهار گل ز گلش وا نمی شود
عید است و ابرهای جهان گریه می کنند
عالم برای فاطمه پروانه می شود (*)
زخمیست داغ فاطمه بر سینه ی علی
زخمی که هیچ گاه مداوا نمی شود
تنها نه هستی علی از دست رفته است
هستی بدون فاطمه معنا نمی شود
لا خَیرَ بعدَ فاطمه هم بی حساب نیست
یعنی کسی برای تو زهرا نمی شود
تقویم عمر یاس تو هجده بهار داشت
این راز مبهمیست که افشا نمی شود
این گنج تا قیام قیامت نهفته است
این قبر گوهریست که پیدا نمی شود
باور کنید حکم گذرنامه بهشت
الا به دست فاطمه امضاء نمی شود
دوزخ کنار می کشد از نام پاک او
آتش حریف دختر طاها نمی شود
امیدوار، روز قیامت به دست کیست
چشمی که در عزای تو دریا نمی شود
برگرد یاس پرپر گلخانه ی رسول
در سینه ی علی غم تو جا نمی شود
امشب سپیده سر زد و روشن نشد چراغ
از گوشه بقیع علی پا نمی شود
عباس شاهزیدی (خروش اصفهانی)

(*) قافیه آوایی

مرا با بهار کاری نیست

دل مرا ز غم ای شیعیان بهاری نیست
مرا ز غصه کنون با بهار کاری نیست
بپا شده است به عالم عزای دخت نبی
که شیعه را به دل از این عزا قرار نیست
شکستن در و آن حرمت حریم رسول
به یادم آمد و بر اشکم اختیاری نیست
همیشه در همه جا حضرت علی می گفت
مرا چو فاطمه یاری و غمگساری نیست
چو دیده‌ی حسنین و علی و زینب، آه
برای دخت نبی چشم اشکباری نیست
چگونه عید بگیرم کنون که چون مهدی
ز داغ فاطمه محزون و سوگواری نیست
لباس مشکی خود را به تن کن ای (راضی)
که از تو غیر عزا داری انتظاری نیست
محمد حسن زاده (راضی اصفهانی)
چگونه عید بگیرم

دلم گرفته خدایا، چگونه عید بگیرم؟
رسیده ماتم زهرا، چگونه عید بگیرم؟
به یاد ماتم مادر، شکسته شد دل مهدی
در این مصیبت عظمی، چگونه عید بگیرم؟
عزیز جان پیمبر، انیس و مونس حیدر
شدی فسرده ز غمها، چگونه عید بگیرم؟
زدند آتش کین بر در سرای تو دو نان
تو سوختی ز غم آنجا، چگونه عید بگیرم؟
شدی شهیده و بعد از تو دشمنان تو گفتند
علیست بی‌کس و تنها، چگونه عید بگیرم؟
حسن ز غصه پریشان، حسین غمزده گریان
به ناله زینب کبری، چگونه عید بگیرم؟
محمد حسن زاده (راضی اصفهانی)
یاس کبود

قطعه

در این بهار که با فاطمیّه گشته قرین
نسیم و سبزه و گل سوگوار فاطمه‌اند
فقط نه یاس لباس کبود کرده به تن
که لاله‌های جهان داغدار فاطمه‌اند
کبوتران حرم سر به زیر پر، خاموش
چو بلبان چمن غمگسار فاطمه‌اند
به قطره قطره شب‌نم چو بنگری بینی
که شاخه شاخه‌ی گل اشکبار فاطمه‌اند
ز جان و دل همه‌ی شیعیان به شورو نوا
بیاد رنج و غم بی‌شمار فاطمه‌اند
(سَخا) سعادت عالم نصیب آن‌هایست
که عاشق علی و دو ستار فاطمه‌اند

در مدار چرخ

نوروز جم که باده به جام و سبوی ماست
بلبل به نغمه بر سر گل نوحه‌گر چراست
در چشم غنچه اشک و ز غم لاله سینه چاک
از سوز داغ ناله‌ی مولا که بی‌صداست
گر چه بهار فصل غدیر خم و جم است
اما خزان نور دل ختم انبیاست
زهرها شبی ز داغ پدر دیده بر نیست
حیران مدینه بار دگر در غم و عزااست
دست عدو گلی ز گلستان جان گرفت
در باغ دل عزای گل و غنچه‌اش به پاست
یکسو حسن به گریه و سویی دگر حسین
زینب به ناله همدم گلها و لاله هاست
توأم چو شد بهار و خزان در مدار چرخ
گویا محرمی دگر و شام نینواست
چنگی دگر به چنگ و به دف پنجه‌ای مزین
جن و ملک به ماتم و عالم عزا سراسر است
(شائق) به جای جامه اطلس سیه بیوش
ایام فاطمیّه که صاحب عزا خداست
حسن احمدی (شائق)

عید نوروز آمد و دل ماتمی دیگر گرفت
ماتمی از بهر کفو حیدر صفدر گرفت
شد مقارن عید نوروز و عزای فاطمه
زین تقارن جامعه نیلی جهان در بر گرفت
گر چه دارد احترام این عید در نزد همه
باید اکنون ماتم فرزند پیغمبر گرفت
فاطمیون را نباشد شادمانی این بهار
چون که داغ فاطمه آفاق سر تا سر گرفت
بر در بیت الشرف چون دشمنان آتش زدند
از شرار آن دل اهل ولا آذر گرفت
هم حسین و هم حسن گشتند گریان و پریش
دست چون دیدند بر پهلوی خود مادر گرفت
تهنیت نه، تسلیت گویند برهم شیعیان
ز آنکه عالم را غم صدیقه اطهر گرفت
گر چه (عبدی) عید نوروز است و وقت شادیست
این زمان باید عزای عصمت داور گرفت
نوروز علی عبد الهی رهنانی (عبدی)
تقارن فاطمیه و نوروز
شیعیان عید آمد و این عید توأم با عزاست
فاطمیه آمد و در هر کجا غوغا به پاست
از برای شیعیان امسال هرگز عید نیست
چون عزای دختر خیر البشر، خیر النساء
ای عزاداران عزای فاطمه بر پا کنید
مهدی صاحب زمان در این عزا صاحب عزاست
فاطمیه همزمان گردید با فصل بهار
جای تبریک و تحیت تسلیت گفتن بجاست
جای رخت شادمانی رخت غم بر تن کنید
بزم شادی و طرب بر پا نمودن نابجاست
مادر سادات را کشتند از راه ستم
سر به سر عالم از این جور و جفا ماتم سراسر است
ای (فریور) هر کسی در راه حق کوشش کند
اجر و مزد او به روز حشر در نزد خداست
(محمد علی فریور)

نوروز در محاق

به پاس حرمت زهرا شما در این نوروز
کنید مجلس ماتم به پا در این نوروز
به محض پاس شعائر کنید از دل و جان
سخن ز عید و بهاران رها در این نوروز
به تن کنید و به گردن چو ما بیاویزید
لباس ماتم و شال عزا در این نوروز
سخن ز عشرت و شادی مگویی و محزون باش
برای حضرت خیر النساء در این نوروز
مگر که نیست مدینه ز داغ لاله غمین
گذر به دشت و دمن‌ها چرا در این نوروز؟
برای آن ستمی کز جفا به فاطمه شد
بنال تا که توانی دلا در این نوروز
ز شور ساز مخالف از آن حجازی‌ها
بدل به نغمه غم شد نوا در این نوروز
ببار ابر بهاران و سیل جاری کن
به سان دیده مولای ما در این نوروز
لب از طراوت و شادی ببند ای (آذین)
زبان واژه به مویه گشا در این نوروز
سید مرتضی منصوری (آذین اصفهانی)
رباعی

برای یوسف فاطمه

ای دوست رخ تو لاله‌زار است مرا
با باغ و گل و چمن چکار است مرا
گلچهره من نقاب بردار ز رخ
دیدار تو بهتر از بهار است مرا
رباعیات نوروز در محاق

تا داغ غمی ...

تا داغ غمی سراغ دارد دل ما
کی حسرت سیر باغ دارد دل ما
گل می‌دمد از باغ و بهار است ولی

صد داغ بروي داغ دارد دل ما
(قيصر اصفهاني)

کنون که فصل ...

کنون که فصل عزا هست و نيست دلها شاد
به پاس حرمت دخت رسول مهر و وداد
روي چو ديدن احباب اي برادر من
نگاه درا زبان و مگو مبارك باد
(قائمي زمان آبادي)

امسال بهار غرق ...

امسال بهار غرق ماتم باشد
نوروز به فاطميه توأم باشد
کي شاد دل شيعه شود از نوروز
وقتي که دل علي پر از غم باشد
(محمد علي فريور)

سرفصل بهار و ...

سرفصل بهار و عيد ما آمده است
لازم همه را عيش و صفا آمده است
اما ز غم شهادت فاطمه، دل
آشفته و مرثيه سرا آمده است
(ناظر نائيني) (ناظر)
سرفصل بهار روي ...

سرفصل بهار روي گلگون داريم
لب تشنه عيشم و دلي خون داريم
الحال ز داغ فاطمه آه و فغان
ما غمزدگان فاطميون داريم
(ناظر نائيني)

تا خون جگر ...

تا خون جگر به جام ما مي باشد

شادي و طرب حرام ما مي باشد
بر كام دل كسي نمي آيد خوش
عيدي كه مقارن عزا مي باشد
(قيصر اصفهاني)

عيد است و ...

عيد است و گل و بهار من پژمرده
در ماتم زهراي جوان افسرده
با وا شدن شكوفه هاي گل ياس
ياد آيدم از آن رخ سيلبي خورده
(قيصر اصفهاني)

امسال بهار ياد ...

امسال بهار ياد پاييز كنيم
خون گريه از اين داغ غم انگيز كنيم
از شادي و تبريك به هم گفتن ها
شرط ادب اينست كه پرهيز كنيم
(قيصر اصفهاني)

اين مژده كه ...

اين مژده كه گل دهد بهار آمده است
شادي و طرب ز نو به بار آمده است
تأثير به حال فاطميون نكند
زيرا كه قرين با غم يار آمده است
(قيصر اصفهاني)

ما دلشدگان حاجت ...

ما دلشدگان حاجت تأييد نداريم
يك ذره در اين مسأله ترديد نداريم
با آن كه شده فصل گل لاله وليكن
از بهر غم ياس علي عيد نداريم
(آذين اصفهاني)

[نوحه]

عید ما امسال توأم با عزاست
فاطمیه موسم شور و نواست
جابه جای خطه ایران زمین
زین مصیبت خیمه ماتم به پاست
در عزای زهره زهرا بتول
هر کجا رو می‌کنی ماتم سراسر است
عید ما امسال توأم با عزاست
فاطمیه موسم شور و نواست
شیعیان رخت عزا در بر کنید
از سرشک دیده دامن‌تر کنید
پا به پای مهدی صاحب زمان
نالهای جانکاه از دل سر کنید
بر عزاداران بود عشرت حرام
خون به جای باده در ساغر کنید
عید ما امسال توأم با عزاست
فاطمیه موسم شور و نواست
با عزا توأم شده نوروز ما
خیزد از دل ناله‌ی جانسوز ما
در غم زهرای اطهر این زمان
تیره همچون شام گشته روز ما
جای آن دارد که خاکستر شود
عالمی از آه عالم سوز ما
عید ما امسال توأم با عزاست
فاطمیه موسم شور و نواست
قیصر اصفهانی

از عید و از بهار با ما سخن مگو
از باغ و لاله‌زار با ما سخن مگو
ای دل به سوگ او جز ناله سر مکن
جز درد و حال زار با ما سخن مگو
لبخند دلنشین، باشد حرام ما
در سوگ فاطمه خون شد به کام ما

تا فاطمیه با نوروز شد قرین
دل‌های شیعیان از غصه شد حزین
بانک عزا آید به گوش جان
خیزد شرار غم از آه آتشین
لبخند دلنشین، باشد حرام ما
در سوگ فاطمه خون شد به کام ما
زد لشکر خزان راه بهار عشق
ماتم‌سرا شده شهر و دیار عشق
ای دیده‌گریه کن بر دشت لاله‌گون
ای ابر غم ببار خون بر مزار عشق
لبخند دلنشین، باشد حرام ما
در سوگ فاطمه خون شد به کام ما
چون شد که فر و دین گردیده غم‌فزا
چون شد که شهر ما گردیده غم‌سرا
هان فاطمیه است ای دیده خون ببار
هر کس حسینی است گرید در این عزا
لبخند دلنشین، باشد حرام ما
در سوگ فاطمه خون شد به کام ما
قیصر اصفهانی
نوحه [3]

عید آمد و دل‌ها پر از شور و نوا شد
توأم نوای شادی ما با عزا شد
ای وا مصیبت زهرای اطهر
گشته شهید از جور ستمگر
عید آمده است و شیعیان با دیده تر
گشته عزادار از غم زهرای اطهر
زار و پریشان می‌زنند از غصه بر سر
در کوی و برزن محفل ماتم بپاشد
ای وا مصیبت زهرای اطهر
گشته شهید از جور ستمگر
شد فاطمیه همزمان با عید نوروز
سوزد دل اهل ولا زان داغ جانسوز
داد از جفای ملحدان آتش افروز
ز آنان به فرزند پیمبر این جفا شد

اي وا مصيبت زهراي اطهر
 گشته شهيد از جور ستمگر
 عیدست و دل با ماتم و مَحْنَت قرین است
 هر دل در اینجا از غم زهرا حزین است
 آري پیام شیعه بر عالم چنین است
 گرید که مظلوم از جهان خیرالنساء شد
 اي وا مصيبت زهراي اطهر
 گشته شهيد از جور ستمگر
 از بهر زهرا شیعیان زاري نمایند
 خون جگر در ماتمش جاري نمایند
 از داغ جانشوزش عزاداري نمایند
 زهرا شهيد از کینه قوم دغا شد
 اي وا مصيبت زهراي اطهر
 گشته شهيد از جور ستمگر
 (ناظر نائینی)
 سپاس

پی‌نوشت

- (1). سوره توبه، آیه 37
- (2). بیرونی، الآثار الباقية، ص 39
- (3). همان، ص 267؛ دهخدا، لغتنامه، حرف ن، ص 872
- (4). دهخدا، همان
- (5). شیرازی، فرهنگ جهانگیری، ج 2، ص 218
- (6). بیرونی، الآثار الباقية، ص 265
- (7). همان
- (8). همان، ص 273
- (9). همان، ص 265
- (10). علامه مجلسي، بحارالأنوار، ج 59، ص 119
- (11). بیرونی، همان، ص 266
- (12). مجلسي، همان، ص 120
- (13). همان
- (14). شیخ طوسي، مصباح المتهجد، ص 736

- (15). مجلسي، بحارالأنوار، ج 59، ص 119
- (16). همان
- (17). همان، ص 120
- (18). ابن قُلوئيه، كامل الزيارات، ص 62، باب 17، ج 9
- (19). علي بن ابراهيم، تفسير قمي، ج 1، ص 222، ذيل آيه 159 از سوره انعام
- (20). شيخ طوسي، كتاب الغيبة، ص 347
- (21). همو، اختيار معرفة الرجال، ص 377، ج 707
- (22). آيت الله خويي، معجم رجال الحديث، ج 18، ص 239
- (23). كشي، ص 378، ج 708
- (24). خويي، همان.
- (25). كشي، ص 380، ج 712
- (26). خويي، همان، ص 242
- (27). ابن شهر آشوب، المناقب، ج 4، ص 344
- (28). مجلسي، بحارالأنوار، ج 59، ص 100
- (29). همان، ص 101
- (30). ميلاني، نوروز، ص 36 - 42
- (31). ابن فارس، معجم مقاييس اللغة، ج 5، ص 301
- (32). خليل، ترتيب كتاب العين، ص 755
- (33). ابن منظور، لسان العرب، ج 13، ص 38
- (34). محمد شفيق غربال، الموسوعة العربية الميسرة، ص 1349
- (35). كليني، اصول كافي، ج 1، ص 458
- (36). همان
- (37). همان
- (38). بخاري، صحيح بخاري، ج 4، ص 96
- (39). همان، ج 5، ص 177
- (40). خُزاز، كفاية الأثر، ص 65؛ دولابي، الذرية الطاهرة، ص 152، ح 199؛ طبري، إعلَامُ الوَري، ج 1، ص 300
- (41). شيخ طوسي، مِصْبَاحُ الْمُتَهَجِّد، ص 793؛ طبري، دلائل الامامة، ص 134، ح 43؛ سيد ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج 3، ص 161
- (42). ابن حَجَر، الصواعق المحرقة، ص 150
- (43). طبري امامي، دلائل الامامة، ص 106
- (44). شيخ طوسي، الأمالي، ص 668، ح 1399
- (45). سبط ابن جوزي، تذكرة الخواص، ج 2، ص 334
- (46). طبراني، معجم كبير، ج 1، ص 108
- (47). إِبْرَلي، كَشَفُ الْعُمَّة، ج 1، ص 453

(48). علامه مجلسي، بحارالأنوار، ج 22، ص 485

(49). سيد عبدالرزاق مقرّم، وفاة فاطمة، ص 97